

تاریخ وصول: ۸۷/۴/۲۵

تاریخ تأیید: ۸۷/۸/۱۹

بررسی اجمالی ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی (استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برخلاف حق)

سیرالله مرادی* / مرتضی عرب**

این ماده کیفری هم می‌بایست با توجه به مبانی و جزئیات و شرایطی که جرم در آنها صورت می‌گیرد انجام پذیرد و از این جهت، در این مرقومه بدین مسئله که در ماده کیفری مذکور اضرار جرم، شرایط جرم، مرتکب و جز اینها کدام‌اند، توجه شده‌است.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی در مقام وضع و بیان جرایم خاص و جدیدی در این حوزه بوده‌است، مقررات کیفری مندرج در آن از حیث جرم و مجازات منطبق با اهداف عام و خاص مقنن در وضع این ماده کیفری نیست.

*استادیار دانشگاه شهرکرد (عضو هیئت علمی گروه حقوق).

نشانی اینترنتی: Sm.moshaver@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه پیام‌نور شهرکرد.

نشانی اینترنتی: aliarab2008@yahoo.com

چکیده: در حال حاضر قانون تأمین اجتماعی به‌عنوان یک شاخه نوپا در کشور مطرح بوده، همچنین حقوق تأمین اجتماعی، عنوان ناشناخته‌ای در حقوق فعلی ماست؛ مع‌ذلک، بجاست تا مطالعاتی گسترده و همه‌جانبه در خصوص مقررات تأمین اجتماعی، بالاخص مقررات کیفری آن، صورت پذیرد. یکی از مهم‌ترین مواد کیفری تأمین اجتماعی ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی است که در این نوشتار با هدف تبیین موضوعی این ماده، به‌عنوان یکی از مقررات کیفری تأمین اجتماعی، آسیب‌شناسی و نیز گسترش ادبیات حقوقی تأمین اجتماعی و جلوگیری از ورود خسارت به صندوق سازمان تأمین اجتماعی، از طریق پیشنهاد اصلاح مقررات فعلی صورت پذیرفته‌است. از طرفی، به جهت اینکه این ماده کیفری یکی از جرایم حوزه تأمین اجتماعی را پوشش می‌دهد و این ماده در ارتباط با زمینه‌ها، موضوعات و اجزای فنی و تخصصی تأمین اجتماعی تدوین و لحاظ شده‌است، بررسی

کیفری قانون مذکور^۱ پرداخته، آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد تا ان شاء الله این مطالعات بتواند سبب باز شدن بابی جدید تحت عنوان «حقوق کیفری تأمین اجتماعی» باشد. در بیان مفهوم حقوق کیفری تأمین اجتماعی این گونه آورده‌اند:

«شاید بتوان مجموعه مقررات ناظر بر جرم و مجازات که از سوی مقنن در جهت حفظ منابع و منافع تأمین اجتماعی و جلوگیری از تعرض به منابع سازمان پیش‌بینی گردیده را تحت عنوان حقوق کیفری تأمین اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد» (عرب، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی مقرر می‌دارد: «هرکس به استناد اسناد و گواهی‌های خلاف واقع یا با توسل به عناوین و وسایل تقلبی، از مزایای مقرر در این قانون به نفع خود استفاده نماید یا موجبات استفاده افراد خانواده خود یا اشخاص ثالث را از مزایای مذکور فراهم سازد، به پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر خسارات وارده به سازمان، و در صورت تکرار به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا شش ماه محکوم خواهد شد.»

بر این اساس و از آنجاکه عنوان مجرمانه مذکور شباهت زیادی به جرم کلاهبرداری داشته، در حکم کلاهبرداری محسوب می‌شود.

کلاهبرداری از زمره جرائمی است که نوعی «اکل مال به باطل» محسوب می‌شود و تحت عنوان تعزیرات قابل مجازات است در متون فقهی از کلاهبرداری تحت عنوان «احتیال» و از کلاهبردار به نام «محتال» (مکی‌العاملی، ۱۳۷۸: ۲۵۲) اسم برده شده است.

کلاهبرداری در کشور ما بر اساس قوانین موضوعه اولین بار در سال ۱۳۰۴ بر اساس ماده ۲۳۸ ق.م.ع.

کلیدواژه: تأمین اجتماعی، بیمه، حقوق کیفری، کارفرما، کارگر، مزایا.

مقدمه

قانون تأمین اجتماعی به عنوان مهم‌ترین منبع حقوق تأمین اجتماعی در کشور مطرح بوده، حقوق تأمین اجتماعی خود یک شاخه نوپا در کشور است.

در بیان مفهوم حقوق تأمین اجتماعی این گونه آمده است:

«اگر با مقداری مسامحه بپذیریم که تأمین اجتماعی اصلی است که به گونه‌ای جهان‌شمول مورد پذیرش قرار گرفته و بنا بر آن است برای هر فردی در دوران زندگی حداقل نیازهای اجتماعی را فراهم کند، حقوق تأمین اجتماعی باید شامل مقرراتی باشد که حدود این تکلیف را برای جامعه و شرایط برخورداری از آن حقوق را برای اعضای جامعه، یعنی افراد انسانی، مشخص کند» (عراقی، ۱۳۸۲: ۸) و نیز حقوق تأمین اجتماعی را مجموع مقررات حاکم بر سازمان‌دهی و جمع‌آوری کمک‌ها و توزیع مجدد آنها به منظور حفظ یا اعاده تعادل اقتصادی افراد جامعه می‌دانند (امینیان، ۱۳۶۹: ۳).

در حال، مقررات مندرج در قانون تأمین اجتماعی است که حدود و نحوه بهره‌مندی افراد مشمول را بیان می‌دارد و از لحاظ اینکه یکی از مهم‌ترین منابع صندوق تأمین اجتماعی، حق بیمه‌های وصولی از مشمولان این قانون است، لذا این صندوق حق الناس محسوب شده، اهمیت حفظ و صیانت از آن دوچندان می‌گردد. به همین منظور مواد ۹۷ الی ۱۰۹ قانون تأمین اجتماعی به مقررات کیفری اختصاص داشته، به اعمالی اشاره دارد که انجام آنها جرم محسوب می‌شود و از آنجاکه در خصوص مقررات مذکور مطالعه دقیق و همه‌جانبه، آن‌چنان‌که بتواند نیازهای مخاطبان را پاسخگو باشد، صورت نپذیرفته‌است، در این مقاله به یکی از مواد

۱. ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی.

بررسی قرار داد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۱۱۶)؛ هرچند، در عمل نیز شاهد آنیم که نویسندگان مذکور، در بسیاری از مباحث، بدون ذکر عنوان «عنصر قانونی» تحت عناوینی دیگر مانند تعریف، توضیح مصادیق جرم و جز اینها به بیان عنصر قانونی پرداخته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۲: ۲۴۲). درست است که این ایده در جهت ساختارشکنی و اعمال شیوه‌ای جدید از تبیین مطالب خوش به نظر می‌رسد، لکن به جهت شیوه معمولی که در بین حقوق‌دانان ایران مرسوم است و به تبعیت از ایشان، در این نوشتار به عنصر قانونی جرم نیز اشاره می‌رود.

عنصر قانونی جرم استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برخلاف حق، ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی است که در مقدمه بحث بدان اشاره شد. در اینجا نکته‌ای را که نباید از نظر دور داشت این است که اگر جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی یکی از صور خاص کلاهبرداری محسوب شود، آیا با تصویب ماده ۱ قانون تشدید که از لحاظ زمان تصویب مؤخر بر قانون تأمین اجتماعی است، ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی را می‌توان نسخ‌شده تلقی نمود یا خیر؟

در پاسخ به این سؤال نظر اصولیین محل اختلاف است و به عبارتی، در مبحث عام و خاص هرگاه حکم عام مؤخر بر حکم خاص باشد سه نظر ارائه شده است (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۲۱۳):

قول اول: نظر شیخ طوسی و سید مرتضی است که نسخ خاص سابق را نقل می‌کند؛

قول دوم: نظر اکثریت اصولیین است که معتقدند خاص مقدم عام مؤخر را تخصیص می‌زند؛

قول سوم: بر این است که می‌بایست توقف و به مرجحات رجوع کرد.

این مبحث در بین حقوق‌دانان و قضات محاکم نیز

مورد جرم‌انگاری واقع شد.

بعد از انقلاب اسلامی ماده ۱۱۶ ق. م. ا. (تعزیرات) به کلاهبرداری اختصاص یافت و در سال ۱۳۶۷ در ماده ۱ قانون تشدید پیش‌بینی شد.

اما علاوه بر جرم کلاهبرداری که قانون‌گذار آن را در زمان‌های مختلف مورد حکم قرار داده‌است، مقنن به جهت اهداف خاصی که دنبال می‌کرده برخی از صور خاص کلاهبرداری را نیز در عناصر قانونی متفاوت مورد حکم قرار داده‌است که از این امر دو هدف را دنبال می‌کرده‌است:

۱. رفع مشکل در خصوص عدم شمول حکم بر تمام مصادیق؛

۲. اعمال مجازات بیشتر یا کمتر در خصوص مرتکب این‌گونه اعمال.

ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی نیز از مواردی است که جهت تأمین هدف اول قانون‌گذار وضع شده‌است؛ به عبارت دیگر، اگر می‌خواستیم تمام مصادیق این ماده را منطبق با کلاهبرداری بدانیم، در عمل و در خصوص برخی مصادیق این امر میسر نمی‌گشت؛ لذا، به نظر می‌رسد قانون‌گذار جهت رفع این مشکل و به جهت شمول حکم بر تمام مصادیق، اقدام به انشای نص صریحی نموده‌است تا بدین ترتیب به صیانت از اموال عمومی پرداخته باشد. پس از ذکر مقدمه مذکور، از جهات مختلف به بررسی جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی، به‌عنوان یکی از صور خاص کلاهبرداری خواهیم پرداخت.

فصل اول: عناصر متشکله جرم موضوع ماده ۹۷ قانون

مبحث اول: عنصر قانونی

برخی از نویسندگان حقوقی را نظر بر آن است که عنصر قانونی را نباید به‌عنوان یک عنصر مجزا مورد

کارفرمایی، ترک کار مربوط به کارگر خویش را به سازمان اعلام نکند و خود کارگر نیز در این خصوص اقدامی انجام نداده باشد و از این طریق سابقه بیمه‌ای بر اساس گزارش‌های سابق بازرسان برای کارگر غیرشاغل محاسبه و از این طریق مزایایی به وی تعلق گیرد (مثلاً از مزایای درمانی در این مدت استفاده نماید)، این کارگر غیرشاغل و کارفرمای مربوطه را نمی‌توان بر اساس ماده ۹۷ و اعمال مقررات کیفری مورد مجازات قرار داد. همچنین است در مورد کارگری که از مزایای بیمه بیکاری استفاده می‌کند و اشتغال مجدد خود را به سازمان گزارش و اعلام ننموده و از این طریق از مزایای بیمه بیکاری سازمان من‌غیرحق منتفع گردد، در این مورد نیز عمل شخص را نمی‌توان مشمول ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی و مقررات کیفری دانست.

بند ۲: شرایط و اوضاع و احوال

۱. مقید بودن به وسیله

جرم سوءاستفاده از مزایای قانونی تأمین اجتماعی جرمی است مقید به وسیله و از طریق اسناد و توسل به همان وسایلی که در جرم موضوع ماده ۹۷ (صدر ماده) آمده محقق می‌گردد. در این ماده به دو نوع وسیله اشاره شده است:

- اسناد و گواهی خلاف واقع

- عناوین و وسایل تقلبی

حال هر یک از این وسایل را به‌طور مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) اسناد و گواهی‌های خلاف واقع

اسناد جمع مکسر از سند است و بر اساس ماده ۱۲۸۴ ق م «سند» عبارت است از هر نوشته‌ای که در مقام دعوا یا دفاع قابل اسناد باشد، گاهی به مطلق

۲. رأی وحدت رویه، شماره ۴۱۲، سال ۱۳۵۰.

مطرح بود تا اینکه هیئت عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۵۰ به این مباحث و اختلافات پایان داد.

بر اساس رأی هیئت عمومی^۲ دیوان عالی کشور نیز نظر اکثریت اصولیین مبنی بر تخصیص خوردن عام لاحق توسط خاص سابق را پذیرفته است؛ بر این اساس و به عبارتی دیگر، می‌توان گفت از نظر هیئت عمومی دیوان عالی کشور که در قالب رأی وحدت رویه صادر شده و لازم‌الاتباع و لازم‌الاجرا و در حکم قانون است، عام لاحق خاص سابق را نسخ نمی‌کند و از این لحاظ ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی نیز که خاص و مقدم بر ماده ۱ قانون تشدید بوده است، ماده اخیرالذکر را تخصیص می‌زند و به بیان دیگر، ماده ۱ قانون تشدید مصوب ۱۳۶۷ نسخ ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ نخواهد بود.

مبحث دوم: عنصر مادی

عنصر مادی در عموم جرائم از سه بخش رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال و نتیجه حاصله تشکیل می‌شود.

بند ۱: رفتار فیزیکی

رفتار فیزیکی با توجه به نوع جرم ممکن است به شکل فعل مثبت یا منفی صورت پذیرد و منظور از شکل مثبت رفتار فیزیکی (فعل) و منظور از شکل منفی رفتار فیزیکی (ترک فعل) است.

در خصوص جرم «سوءاستفاده از مزایای قانونی تأمین اجتماعی برخلاف» باید گفت این جرم مستفاد از عبارت: «... به اسناد اسناد و گواهی‌های خلاف واقع یا با توسل به عناوین و وسایل تقلبی از مزایای مقرر در این قانون استفاده نماید...» با فعل مثبت صورت می‌پذیرد.

«استفاده کردن»، «توسل جستن» و «اسناد کردن» هر سه از افعال مثبت هستند؛ بنابراین، چنانچه

با اضافه شدن قید «خلاف واقع» به وسایل مذکور، یعنی «اسناد» و «گواهی‌ها»، تفاوتی اساسی بین ماهیت این وسایل حادث شده است.

اسناد برخلاف واقع، اسنادی هستند که ممکن است مجعول باشند یا نباشند، اما گواهی‌های برخلاف واقع قطعاً مجعول نیستند و صرفاً دروغی را درباره واقعه‌ای بیان می‌دارند. برای تبیین و توضیح مسئله به مثال‌هایی در این خصوص اشاره می‌شود:

لیست حق بیمه، لیستی است با فرم مشخص که فرم آن را سازمان تأمین اجتماعی تهیه نموده، در اختیار کارفرمایان قرار می‌دهد تا اسامی کارگران خود را در لیست مزبور تحریر و تنظیم نمایند و سپس به شعب سازمان تحویل دهند. حال اگر کارفرما در لیست مذکور اسم فردی از آشنایان خود را نیز برخلاف واقع به‌عنوان کارگر نوشته، ارسال دارد و بدین طریق باعث شود که این فرد به نحوی از مزایای قانون تأمین اجتماعی بهره‌مند شود و استفاده نماید، سندی را برخلاف واقع تنظیم نموده است که مجعول نیست، اما برخلاف واقع است.

پزشکی که با استفاده از تعدادی دفترچه درمانی تأمین اجتماعی مسروقه مبادرت به صدور نسخه می‌کند، فی‌الواقع سندی برخلاف واقع را تنظیم و صادر کرده است، درحالی‌که سند مذکور مجعول نیست. حال اگر این پزشک مبادرت به ساخت دفترچه درمانی کند و سپس نسخه‌سازی (نسخه‌نویسی) نماید، سندی را برخلاف واقع ساخته که سندی مجعول است.

گواهی کمیسیون‌های پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی در خصوص از کارافتادگی، مجعول استفاده از مزایای از کارافتادگی مقرر در قانون تأمین اجتماعی است.

اگر کارگر، گواهی مزبور را خود رأساً تهیه نموده، بسازد و از این طریق از مزایای مقرر استفاده کند،

دلیل (اعم از نوشته و لفظی) گفته می‌شود که در این صورت مترادف با مدرک است. در اصطلاحات علوم راجع به فقه به روایت یک حدیث، سند گفته می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۳۶۴).

گواهی در لغت به معنای شهادت است و گواهی نیز گفته شده است (عمید، ۱۳۸۴: ۳۰۲). گواهی اصطلاحاً به معنای تصدیق به کار گرفته شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۴۰۳) و تصدیق، سندی رسمی است که از طرف دولت صادر می‌شود و به دارنده آن امتیاز اقدام به برخی از کارها را می‌دهد و در معنی وسیع‌تر، تصدیق عبارت است از هرگونه سند که از هر مقام عمومی یا خصوصی صادر شود و به حال دارنده آن برای اقدام در کاری مفید باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۱۵۳).

اما تفاوت بین سند و گواهی چیست؟

با توجه به تعاریف ارائه شده از هریک باید گفت که از لحاظ اصولی و روابط منطقی، هر گواهی و تصدیقی سند است، اما هر سندی تصدیق نیست؛ لذا تصدیق محاط در سند است و به عبارت دیگر سند اعم است از تصدیق و غیرتصدیق. در اصطلاح منطقیون و اصولیون رابطه بین سند و گواهی، عموم و خصوص مطلق است.

در ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی هریک از الفاظ «سند» و «گواهی» در معانی خاص خود به کار رفته‌اند. گواهی در معنای تصدیقی است که از طرف مقام ذیصلاح صادر شده، مجعول استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی محسوب می‌شود. ویژگی «سند و گواهی» مندرج در ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی برخلاف واقع بودن آنهاست؛ درواقع، اسناد خلاف واقع و گواهی‌های خلاف واقع از شرایط تشکیل جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی هستند.

نکرده است، لکن حقوق دانان هریک به تعریفی از عناوین و وسایل تقلبی پرداخته اند.

لفظ عنوان در ماده ۱ قانون تشدید نیز به کار رفته است. برخی از حقوق دانان منظور از عنوان را چنین بیان می کنند:

«تبر دانشگاهی و هر نوع مقام دولتی یا غیردولتی است. کسی که خود را پزشک، مهندس، استاد یا رئیس دانشگاه، وکیل دادگستری، کارشناس رسمی، قاضی، دکتر در حقوق، رئیس اداره گذرنامه، وزیر و نظایر آنها معرفی می کند، عنوان مجعول اتخاذ کرده است. عناوین دوستی و خویشاوندی نیز مشمول همین حکم می شود، مثلاً کسی را فرزند شخص معرفی و نامود کرده باشد» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۷۱).

حال چنانچه نیروی خدماتی شاغل در سازمان تأمین اجتماعی که به اسناد و فرم های مخصوص بازرسی دسترسی دارد، با دستیابی به فرم ها و مهرهای لازم در این خصوص به یکی از کارگاه های مشمول قانون تأمین اجتماعی مراجعه و خود را بازرس سازمان معرفی کند و از کارفرما بخواهد برای شخص الف لیست حق بیمه ارسال نماید، و از این طریق برای شخص الف سوابق بیمه ای ایجاد کرده، و به اصطلاح برای شخص الف سابقه سازی کند، در این صورت نیروی خدماتی مذکور با جعل عنوان موجبات استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی را فراهم نموده است.

همچنین است هنگامی که شخصی در بیمارستان های طرف قرارداد سازمان، خود را ناظر بیمارستانی معرفی کرده، از بیمارستان بخواهد هزینه درمانی مربوط به خود یا شخص الف را با بیمه محاسبه و وی را ترخیص نمایند. در چنین حالتی این شخص با توسل به عنوان تقلبی از مزایای درمانی قانون تأمین اجتماعی استفاده کرده یا موجبات استفاده شخص دیگری را فراهم نموده است.

آیا با توسل به اسناد خلاف واقع از مزایای مذکور استفاده نموده است یا با توسل به گواهی خلاف واقع؟ گواهی برخلاف واقع گواهی ای است که از طرف مقام صالح تنظیم می شود، لکن با واقعیت و مآوق منطق نیست، اما گواهی ای که از طرف مقام غیرصالح ساخته می شود، دیگر گواهی خلاف واقع نیست، بلکه سندی است برخلاف واقع که مجعول است.

در اینجا نکته ای که مطرح می شود این است که چنانچه شخصی (مقام غیرصالح) سندی را بسازد و از آنجاکه این سند، خلاف واقع محسوب می شود و مجعول است، اولاً جعل بودن و عنوان مجرمانه جعل محرز و مسلم است؛ ثانیاً، چنانچه شخص از این سند در جهت استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی استفاده کند، دو فرض متصور است:

فرض اول: بیمه شده موفق به استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی نشود که در این صورت علاوه بر جعل مرتکب جرم استفاده از سند مجعول گشته است.

فرض دوم: بیمه شده موفق به استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی شود و از این مزایا با استناد به سند خلاف واقع استفاده کند. در اینجا علاوه بر جعل با دو عنوان مجرمانه دیگر مواجهیم:

- استفاده از سند مجعول؛
- استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برخلاف حق؛
به عبارت دیگر، در اینجا با تعدد معنوی یعنی فعل واحد با دو عنوان مجرمانه مواجه هستیم، و از آنجاکه در این نوشتار، فصلی مجزا در باب تعدد و تکرار خواهیم داشت، بحث تفصیلی را در این خصوص به فصل مربوط واگذار می کنیم.

ب) عناوین و وسایل تقلبی
قانون گذار تعریفی از عناوین و وسایل تقلبی ارائه

خیر؟ به عبارت دیگر، آیا استفاده از دفترچه درمانی دیگری استناد به سند و گواهی تقلبی و خلاف واقع است یا خیر؟

در اینجا باید گفت این دفترچه (سند) تقلبی نیست و اصالت دارد؛ چرا که بر اساس ضوابط قانونی توسط مرجع صالح ساخته و صادر شده است، پس تقلبی نیست. از طرف دیگر، برخلاف واقع هم نیست، چرا که سند برخلاف واقع سندی است که مفاد و محتوای آن بیان‌کننده چیزی باشد که برخلاف واقع و حقیقت باشد؛ حال آنکه دفترچه مزبور هیچ چیزی را برخلاف واقع نمی‌گوید، چرا که دقیقاً و بر اساس حقیقت بیان می‌دارد که متعلق به صاحب عکس الصاقی در دفترچه است. در این میان، آنچه برخلاف حقیقت جلوه نموده است دروغی است که توسط ارائه‌کننده دفترچه گفته شده است، زیرا استفاده‌کننده به دروغ دفترچه را متعلق به خود دانسته است؛ بنابراین، دفترچه دیگری نه برخلاف واقع است و نه تقلبی است و استفاده از آن نیز نه برخلاف واقع است و نه تقلبی، لذا استفاده از دفترچه درمانی دیگری مشمول ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی نخواهد بود.

د) لزوم یا عدم لزوم اغفال سازمان

گفته شد که جرم موضوع ماده ۹۷ قانون اجتماعی ماهیتاً کلاهبرداری است.

در کلاهبرداری یکی از شرایطی که برای تحقق جرم مذکور ضروری است، اغفال و فریب قربانی است. قربانی جرم باید مال را با رضایت اما در نتیجه گول خوردن در اختیار مجرم قرار دهد، لکن ممکن است این سؤال پیش آید که آیا ارتکاب جرم کلاهبرداری علیه دولت یا شرکت‌ها یا کلاً اشخاص حقوقی هم ممکن است یا خیر؟

اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این سؤال چنین

وسایل تقلبی را نیز قانون‌گذار بدون تعریف به کار برده است. برخی حقوق‌دانان وسایل تقلبی را چنین تعریف کرده‌اند:

«عرفاً وسایل تقلبی شامل انواع مکر و حيله و خدعه و تقلب است» (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ۳۴۱).

لذا با توجه به این تعریف به نظر می‌رسد نیازی به ذکر کلمه «عناوین» در ماده ۹۷ نباشد؛ چرا که بر اساس تعریف مذکور، وسایل تقلبی شامل انواع تقلب برشمرده شده است و یکی از وسایل تقلبی نیز عناوین تقلبی است، لکن قانون‌گذار به جهت اهمیت خاصی که این مورد داشته است مبادرت به ذکر آن در کنار وسایل تقلبی نموده است.

ج) استفاده از دفترچه درمانی دیگران و ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی

یکی از مشکلات و معضلاتی که دفاتر اسناد پزشکی در حیطه درمان غیرمستقیم سازمان تأمین اجتماعی با آن مواجه هستند، استفاده غیر، از دفترچه‌های درمانی است؛ به عبارت دیگر، شخص بیمار در هنگام مراجعه به مراکز درمانی از دفترچه‌های درمانی دیگران استفاده می‌کند.

در این خصوص دفاتر اسناد پزشکی در هنگام انعقاد قرارداد با مراکز درمانی متن ماده ۹۷ را در اختیار پزشکان قرار داده تا در مطب خود جهت اطلاع عموم نصب نمایند و نیز سازمان تأمین اجتماعی در هنگام صدور دفترچه‌های درمانی، متن ماده مذکور را در پشت برگه‌های دفترچه‌های درمانی جهت اطلاع بیمه‌شدگان و سایر اشخاص مرتبط چاپ می‌کند.

حال این سؤال مطرح است که چنانچه شخص با علم و اطلاع از اینکه دفترچه درمانی متعلق به وی نیست، مبادرت به استفاده از دفترچه مزبور نماید، آیا مشمول ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی خواهد بود یا

دوم: وجوه صندوق تأمین اجتماعی که حاصل از حق بیمه کارگر و درصد وجوهی است که توسط دولت و کارفرما به صندوق سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود تا کارگر بیمه‌شده بتواند از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی استفاده کند. استفاده از مزایای مقرر قانون تأمین اجتماعی که نهایتاً منجر به استفاده از وجوه صندوق تأمین اجتماعی می‌شود، مورد دوم از تقسیم‌بندی فوق است.

درواقع همین وجوه، موضوع جرم ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی است و با توسل به عناوین و وسایل تقلبی، فی‌الواقع از محل همین وجوه استفاده می‌شود. اما سؤال این است که آیا در پرداخت مزایا باید اغفال و فریبی نسبت به کارمندان سازمان تأمین اجتماعی صورت گیرد یا خیر؟

هرچند عملاً اکثر مصادیق جرم موضوع ماده ۹۷ دقیقاً منطبق بر کلاهبرداری است و در نتیجه اغفال و فریبی هم نسبت به کارمندان سازمان تأمین اجتماعی صورت می‌گیرد، مواردی را نیز می‌توان ذکر نمود که علی‌رغم اینکه اغفال و فریبی نسبت به کارمند یا کارمندان سازمان تأمین اجتماعی صورت نمی‌گیرد، کماکان مورد، مشمول ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی است؛ چرا که ممکن است کارمند ذریبط با اطلاع از وضعیت اقتصادی فلان شخص، هنگامی که همکار وی، یعنی بازرس سازمان، برخلاف واقع نام وی را در گزارش خود به‌عنوان کارگر کارگاهی معرفی نموده‌است، سکوت اختیار نموده و بر اساس حس ترحم خدمات و مزایا را در اختیار شخص مزبور قرار دهد؛ درحالی‌که همچنان جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی محقق شده‌است.

قانون‌گذار به پیش‌بینی صور خاص کلاهبرداری،

اظهار نظر کرده‌است:

«با توجه به تعریفی که ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری از بزه کلاهبرداری نموده‌است، قید «دیگری» مذکور در آن ماده اعم خواهد بود از دولت یا سایر اشخاص و با این ترتیب می‌توان گفت کلاهبرداری از افراد عادی نسبت به دولت هم می‌تواند مصداق داشته باشد و ذکر کلمه مردم در قانون از باب غالب است، زیرا غالباً کلاهبرداری از مردم صورت می‌گیرد ولی اختصاص به غیر دولت ندارد.»^۳

برخی از نویسندگان حقوقی، ضمن قبول و پذیرش نتیجه این نظریه، استدلال به‌کاربرده‌شده در آن را رد و این‌گونه نقد می‌کنند:

«... ذکر کلمه مردم در قانون از باب غالب نیامده‌است بلکه فقط «مردم» یعنی افراد بشر می‌توانند فریب بخورند یا به امور غیرواقع امیدوار شوند یا بترسند، لیکن لزوماً اموال «مردم» یعنی اشخاص حقیقی برده نمی‌شود، بلکه چه‌بسا با فریب دادن مدیرعامل شرکت یا کارمند دولت اموال آن شرکت یا دولت برده شود... قانون نیز در عین حالی که از فریب مردم سخن می‌گوید از بردن مال «دیگری» سخن به میان آورده‌است، شاید این کار برای تأکید بر این نکته انجام شده‌است که نشان دهد اموال غیر مردم هم قابل برده شدن توسط کلاهبردار است» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۷۷).

با پذیرش هریک از دو استدلال فوق نتیجه واحدی حاصل می‌شود و آن این است که کلاهبرداری علیه اشخاص حقوقی نیز امکان‌پذیر است و درواقع کارمندان و کارکنان اشخاص حقوقی هستند که اغفال شده، فریب می‌خورند و متعاقباً مال شخص حقوقی برده می‌شود.

درخصوص سازمان تأمین اجتماعی باید اموال را به دو دسته تقسیم کرد:

اول: اموال اداری سازمان تأمین اجتماعی مثل میز، صندلی، خودرو خدمت و جز اینها؛

۳. نظریه شماره ۷/۲۳۵۰ مورخ ۱۳۷۵/۴/۴ اداره حقوقی قوه قضائیه.

«با توسل به وسایل قلبی... موجبات استفاده افراد خانواده خود یا اشخاص ثالث را از مزایای مذکور فراهم سازد...» در این فرض نیز لزومی بر وجود اغفال و فریب سایر کارمندان و مسئولان بالاتر نیست.

بند ۳: نتیجه

الف) شرط تحقق نتیجه

جرائم اصولاً از حیث شرط تحقق نتیجه از رفتار فیزیکی برای جرم بودن یا جرم نبودن عملی به دو دسته مطلق و مقید تقسیم می‌شوند.

حال ببینیم جرم استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برخلاف حق جرمی مقید است یا مطلق؟ شاید عده‌ای را نظر بر آن باشد که مستفاد از عبارت «... به نفع خود استفاده نماید» این است که استفاده از باب استفعال به معنای طلب فایده بردن است و لذا صرف ارائه اسناد و گواهی‌های خلاف واقع و توسل به وسایل قلبی حاکی از طلب فایده است و جرم ثابت و محقق است، و بر این اساس جرم سوءاستفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی جرمی مطلق است که حصول نتیجه (حصول فایده) در تحقق آن تأثیری ندارد.

شرحی که گذشت تفسیری ادبی از صدر ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی بود.

مؤلفان مقاله حاضر، با نظر و تفسیری که شرح آن گذشت، بنا به دلایل زیر موافق نیستند:

اولاً: آنچه از لفظ استفاده به ذهن متبادر می‌شود صرف طلب و درخواست فایده بردن نیست، بلکه چیزی فراتر از آن، یعنی تحصیل و وصول متعلق فایده است که در خصوص جرم موضوع صدر ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی، تحصیل و وصول مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی است.

ثانیاً: اقتضای تفسیر به نفع متهم، مقید بودن جرائم

بنا به دلایلی که قبلاً گفته شد، پرداخته‌است و یکی از این موارد پیش‌بینی ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی است.

چنان‌که در مثال پیشین ذکر شد، علی‌رغم اینکه توسل به وسایل متقلبانه صورت گرفته‌است، اغفال و فریبی صورت نگرفته، اما جوهری از صندوق تأمین اجتماعی برده شده‌است، بنابراین قانون‌گذار برای پُر کردن چنین خلئی اقدام به تصریح در موارد خاص نموده‌است.

در مثال قبل ممکن است گفته شود باید کارمندی را که با علم به خلاف واقع بودن گزارش بازرس سکوت اختیار کرده و اقدام به ارائه خدمات و مزایا نموده‌است، تحت عنوان معاونت در جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی تعقیب نمود، چرا که وی با سکوت خود وقوع جرم را تسهیل کرده‌است، اما همچنان که از ماده ۴۳ ق.م.ا. برمی‌آید، سکوت و عدم اقدام، مصداق معاونت نیست؛ چرا که مصادیق معاونت در ماده ۴۳ همگی افعال ایجابی هستند، اما آنچه این کارمند به عنوان فعل مثبت انجام داده‌است ارائه خدمت و مزایا بوده و از این جهت می‌توان وی را معاون در جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی (صدر ماده) دانست، چرا که وی با علم به غیرواقعی بودن اسناد و مدارک ارائه‌شده، اقدام به ارائه خدمات و مزایا نموده که مصداق بارز تسهیل جرم است.

در فرضی نیز که توسل به وسایل قلبی توسط کارمند صورت می‌گیرد و بدین ترتیب موجبات استفاده دیگران را از مزایای قانون تأمین اجتماعی فراهم می‌کند، قانون‌گذار خود در این حالت به جرم‌انگاری خاص پرداخته‌است و در ماده ۹۷، بعد از اینکه به توسل به وسایل قلبی توسط شخص برای استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برای خود اشاره می‌کند، اشعار می‌دارد:

محقق گشته‌است؟

به نظر می‌رسد زمانی که صاحب دفترچه، دفترچه درمانی مذکور را به مراکز درمانی و پزشکان ارائه داده، هزینه آن جهت وی با بیمه محاسبه شود عملاً استفاده محسوب شده، جرم موضوع صدر ماده ۹۷ تحقق یافته تلقی می‌گردد.

چنانچه کارگری که می‌بایست مقدار مشخصی از حقوق وی (۰.۷٪) بابت حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شود و یا بیمه‌شده مشاغل آزاد و اختیاری که می‌بایست مبلغ مشخصی را به‌عنوان حق بیمه به سازمان پردازد، به نحوی از انحا و با توسل به وسایل متقلبانه، حق بیمه کمتری از میزان مقرر پرداخت نماید، آیا مرتکب جرم استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برخلاف حق شده‌است یا خیر؟ آیا پرداخت حق بیمه کمتر، تحصیل و استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی با توسل به وسایل تقلبی است؟

به نظر می‌رسد در این مورد این فرد بر اساس قانون، بیمه‌شده سازمان محسوب می‌شود و این امتیاز قبل از توسل به وسایل متقلبانه شامل حال وی گردیده‌است.

لکن بعداً با توسل به وسایل تقلبی به تعهدی که در مقابل سازمان دارد عمل نمی‌کند، لذا عمل وی مصداق و مشمول جرم استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برخلاف حق و با توسل به وسایل تقلبی نیست. این عمل کلاهبرداری نیز نیست چرا که در کلاهبرداری نیز بردن مال غیر، نتیجه عمل مجرمانه و شرط تحقق آن جرم است.

حال اینکه در این فرض مالی از دیگری برده نشده و چنانچه این شخص از مزایایی استفاده می‌کند، این امتیازات به‌موجب قانون و قبل از متوسل شدن نام‌برده به وسایل تقلبی برای وی تثبیت و محقق بوده‌است.

است، مضافاً اینکه در تقابل بین تفسیر ادبی و تفسیر به نفع متهم، تفسیر به نفع متهم حاکم است.

ثالثاً: مجازات مقرر برای این جرم نیز خود قرینه‌ای بر مقید بودن این جرم است، چرا که مجازات این جرم پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر خسارات وارده است، پس ورود خسارت و ضرر نتیجه تحقق این جرم است.

بنابراین جرم استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برخلاف حق، جرمی مقید است و حصول نتیجه از شرایط تحقق این جرم محسوب می‌شود.

ب) بیان مصادیق

اگر بازرسی بخش بیمه‌ای سازمان در گزارش‌های بازرسی خود نام الف را به‌عنوان کارگر فلان کارگاه، بدون اینکه الف کارگر کارگاه مزبور باشد، به سازمان تأمین اجتماعی گزارش نماید و الف بر اساس همین گزارش اقدام به دریافت دفترچه بیمه درمانی کند، آیا می‌توان کارگر الف را به دلیل استناد به گواهی خلاف واقع (گزارش بازرسی) به جرم موضوع صدر ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی محکوم کرد؟

در این فرض رفتار فیزیکی و شرایط و اوضاع و احوال جرم موضوع صدر ماده ۹۷ محقق است، اما سؤالی که مطرح است این است که آیا با دریافت دفترچه درمانی نتیجه جرم حاصل شده‌است یا اینکه باید عملاً از این دفترچه استفاده شود و یا به عبارتی به پزشکان و مراکز درمانی ارائه‌شده، نسخه آن تحریر شود؟ آیا همین مقدار عمل می‌تواند بیانگر تحقق جرم موضوع صدر ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی باشد یا خیر؟ یا اینکه علاوه بر اینها، برای تحقق جرم می‌بایست پزشک یا آن مرکز درمانی اسناد پزشکی مزبور را به دفاتر اسناد پزشکی تحویل داده، مابه‌التفاوت هزینه درمانی (سهم سازمان) را از تأمین اجتماعی دریافت دارد تا بتوانیم بگوییم جرم مذکور

مبحث سوم: عنصر معنوی

از پایان قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم به انسان و سوءنیت و عنصر روانی وی در ارتکاب جرائم توجه شد.

قبل از پایان قرن دوازدهم انسان همچون ابزار ارتکاب جرم بود. در آن زمان و قبل از آن، چیزهایی که موجب بروز صدمه و خسارت به انسان می‌شدند مورد حکم قرار می‌گرفتند و از بین می‌رفتند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۹۵).

در دوران باستان، حتی در دوران قرون وسطا، حیوانات نیز دارای مسئولیت بودند و به مجازات می‌رسیدند.

«در سفر احبار یا سفر لادین که از جمله اشعار خمسه تورات و شامل قسمتی از احکام و قوانین شریعت یهود در باب قتل عمل و قتل خطئی و غیره است، چنین آمده است که: هرگاه گاو نری انسانی را به ضرب شاخ به هلاکت رساند آن گاو باید به ضرب سنگ کشته شود و گوشتش طعمه سگان گردد» (محسنی، ۱۳۷۶: ۶).

از آن زمان به بعد (اواخر قرن ۱۲) بود که به انسان و اراده او و نیت و قصد وی در ارتکاب جرائم توجه شد و انسان در صورتی قابل مجازات دانسته شد که ارتکاب جرم را دقیقاً با اختیار انتخاب کرده باشد.

جرم استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برخلاف حق از جمله جرائم عمدی است که مرتکب باید اولاً دارای سوءنیت عام (عمد در فعل) بوده باشد که شامل عمد و اراده او در تمام مراحل و اقدامات اجرایی می‌شود، که بر این اساس مرتکب باید در توسل به وسایل متقلبانه، در استناد به اسناد و گواهی‌های خلاف واقع از یک سو، و از سوی دیگر، در استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی کاملاً مختار بوده، از روی علم و عمد انجام دهد.

«علم یعنی اطلاع و آگاهی از اینکه وسایلی که استعمال

می‌گردد خلاف واقع و تقلبی است و اینکه وی قانوناً صلاحیت استفاده از مزایای مقرر را ندارد و عمد و اراده یعنی خواستن به کارگیری وسایل تقلبی جهت برخورداری از مزایای مقرر به نفع خود یا دیگری» (جعفری، ۱۳۸۴: ۹۶).

جزء دوم عنصر روانی جرم استفاده از مزایای قانونی تأمین اجتماعی برخلاف حق سوءنیت خاص، یعنی قصد استفاده کردن از مزایای مذکور است. کارفرمایی برای اینکه به همکاران خود بفهماند که نظام نظارت و بازرسی سازمان تأمین اجتماعی کارایی لازم را جهت جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی ندارد، در لیست حق بیمه، نام افراد غیرشاغل یا نام خود را که کارفرماست درج کرده، به شعب سازمان ارسال می‌دارد و بر اثر سهل‌انگاری کارکنان سازمان، این امر تشخیص داده نمی‌شود و برای اشخاص مذکور، من غیرحق سابقه بیمه‌ای ایجاد می‌شود و بر اساس سابقه‌ای که برای اشخاص مذکور ایجاد می‌شود، این اشخاص از مزایای درمانی یا سایر مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی به نفع خود استفاده می‌کنند.

در اینجا عمل کارفرمای مذکور تحت عنوان مجرمانه «استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برخلاف حق» قابلیت مجازات و تعقیب را نخواهد داشت، چرا که قصد وی از استناد به اسناد و گواهی‌های خلاف واقع (ارسال لیست کذب) اثبات این موضوع به همکاران خود بوده که نظام فعلی سازمان تأمین اجتماعی کارایی لازم جهت جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی و استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی را ندارد.

نکته دیگر در مثال فوق اینکه حتی اگر کارفرما بعد از ارائه لیست پرداخت حق بیمه قصد استفاده از مزایا را نماید کماکان مجرم نخواهد بود. چرا که اقتران زمانی بین عمل کارفرما (عنصر مادی) و قصد استفاده از مزایا (عنصر معنوی) وجود ندارد.

است، لیکن برخی حقوق دانان با عنایت به ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی معاونت در جرم را این گونه تعریف کرده‌اند:

«معاونت آن است که کسی بدون آنکه در عنصر مادی جرم شخصاً دخالت داشته باشد، مرتکب اصلی را در ارتکاب رفتار مجرمانه از طریق تحریک، تشویق، ترغیب، تهدید، دسیسه، فریب، نیرنگ، تسهیل ارتکاب جرم، تهیه وسایل و ارائه طریق، مساعدت و یاری نماید» (شکری و سیروس، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

حقوق دانان شرایطی را برای تحقق معاونت در نظام حقوقی ایران ذکر کرده‌اند:

«جرم بودن عمل ارتكابی مجرم اصلی، توافق در قصد بین عمل مباشر و معاون جرم - تقدم یا اقتران زمانی عمل مجرمانه - انجام یکی از اعمال پیش‌بینی شده در قانون» (محسنی، ۱۳۷۶: ۹۴).

برای عملی که مصداق معاونت باشد به ۴ نوع توسط قانون‌گذار مجازات پیش‌بینی شده است:

۱. مواردی که صرفاً مجازات خاصی پیش‌بینی شده است مانند تبصره ماده ۲۰۸، ماده ۲۶۹ و جز آنها.

۲. در مجازات‌های تعزیری و بازدارنده که دارای حداقل و حداکثرند و مجازات خاصی پیش‌بینی نشده، حداقل مجازات قانونی است.

۳. در مواردی که صراحتاً مجازات خاص پیش‌بینی نشده (چه در تعزیرات و چه در غیر آن) و در تعزیراتی که دارای اقل و اکثر نیستند، بر اساس ماده ۴۳ ق. م. ا. عمل خواهد شد.

۴. در مواردی که برخی از مصادیق معاونت به‌عنوان جرم مستقل تعیین شده است، مثل ساخت کلید، در ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی.

در خصوص جرم استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برخلاف حق، قانون‌گذار تنها یکی از مصادیق

فصل دوم: شروع به جرم در جرائم موضوع ماده ۹۷ قانون قبل از پیروزی انقلاب اسلامی^۴ جرائم بر اساس شدت مجازات به خلاف، جنحه و جنایت تقسیم می‌شدند و بر این تقسیم‌بندی آثاری از حیث شروع به جرم جرائم مترتب بود. به صراحت ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی کلیه قوانین مغایر با این قانون، از جمله قانون مجازات عمومی و اصلاحات بعدی آن ملغاً شد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ ماده ۴۱ و ۲ تبصره آن به مسئله شروع به جرم پرداخته است.

ماده ۴۱ این قانون در این زمینه اشعار می‌دارد: «هرکس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید، لکن جرم منظور واقع نشود، چنانچه اقدامات انجام‌گرفته جرم باشد، محکوم به مجازات همان جرم می‌شود».

بر این اساس، در حال حاضر شروع به جرم بر اساس قوانین فعلی در صورتی قابل مجازات است که به‌عنوان جرم مستقلی تعیین شده باشد، یا اینکه به‌صراحت توسط قانون‌گذار به قابل مجازات بودن شروع به جرم جرائم اشاره شده باشد.

در مورد شروع به جرائم ماده ۹۷ تأمین اجتماعی می‌توان گفت کلیه اقداماتی را که متصل به زمان حصول نتیجه است می‌توان شروع به جرم محسوب کرد. به‌عبارت‌دیگر، یک لحظه قبل از تحقق نتیجه که همان ورود خسارت به سازمان تأمین اجتماعی و استفاده بالفعل از مزایای مقرر در این قانون است، لکن این شروع به جرم توسط مقنن جرم‌انگاری نشده است و قابل مجازات نخواهد بود.

فصل سوم: معاونت در جرم استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برخلاف حق

مبحث اول: معاونت در جرم موضوع صدر ماده ۹۷ قانون‌گذار تعریفی از معاونت در جرائم ارائه نکرده

۴. ماده ۷ قانون مجازات عمومی.

مذکور را فراهم می‌کند. رفتار فیزیکی از عنصر مادی این جرم الزاماً می‌بایست با فعل مثبت باشد، چرا که لفظ فراهم ساختن ظهور در فعل مثبت دارد و از طرفی نیز اصل بر انجام اعمال مجرمانه با فعل مثبت است، مگر اینکه خود قانون‌گذار ترک فعل را به-صراحت پیش‌بینی کرده باشد که در این مورد چنین تصریحی به عمل نیامده است.

این سؤال اساسی در خصوص جرم موضوع قسمت اخیر ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی نیز مطرح است که آیا فراهم نمودن موجبات استفاده دیگران از مزایای قانون تأمین اجتماعی نیز باید حتماً با توسل به وسایل مذکور در صدر ماده ۹۷ ارتکاب یابد؟ در مباحث اصولی و منطقی هرگاه قید یا شرطی در صدر یک حکم آورده شود آن قید به تمام اجزا و قسمت‌های مختلف حکم برمی‌گردد. لذا قید «توسل به اسناد و گواهی‌های خلاف واقع و یا وسایل تقلبی» به هر دو قسمت ماده ۹۷ یعنی «استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برای خود» و نیز «فراهم نمودن موجبات استفاده دیگران» مربوط و راجع است.

فصل چهارم: تعدد و تکرار در جرائم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی

تشدید مجازات در جهت فردی کردن مجازات، به‌عنوان یکی از اصول متعالی حوزه جرم‌شناسی و حقوق جزا بوده، خود دارای جهات متفاوتی است. اسباب و جهات تشدید مجازات در یک طبقه‌بندی به کیفیات مشدده عینی و شخصی تقسیم می‌شوند. کیفیات مشدده عینی وقایع خارجی‌ای هستند که اگر با افعال مادی جرم مقارن گردند به حدت و خطرناکی آن می‌افزایند؛ مثل به کار بردن سلاح در ماده ۶۰۷ و کیفیات مشدده شخصی به اوصاف و صفات بزهکار اعم از مباشر و معاون و شرکای جرم برمی‌گردد؛ مثل مستی مرتکب در ماده

معاونت را به‌عنوان جرم مستقل شناخته است. بر اساس قسمت اخیر ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی فراهم کردن موجبات استفاده دیگران با توسل به وسایل تقلبی و گواهی‌های خلاف، به‌عنوان جرمی مستقل شناخته شده، مجازاتی برابر با مجازات مباشر جرم تعیین شده است.

برای سایر مصادیق معاونت (تحریک، تطمیع، ترغیب و جز اینها) غیر از تسهیل به طریق قسمت اخیر ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی، می‌بایست بر اساس عمومات مقرر در قانون مجازات اسلامی تعیین مجازات شود. جرم موضوع صدر ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی جرمی تعزیری است و مرتکب این جرم برای بار اول به جزای نقدی به میزان دو برابر خسارات وارده به تأمین اجتماعی محکوم خواهد شد. مجازات مزبور چون دارای اقل و اکثر نبود و مجازاتی ثابت است، نمی‌توان برای آن بر اساس ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی که حداقل مجازات مقرر در قانون را برای مباشر جرم پیش‌بینی نموده است، مجازاتی تعیین کرد. در این مورد می‌بایست بر اساس ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی که ماده عام راجع به معاونت است تعیین مجازات کرد (که این امر نیز در حال حاضر و با توجه به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها مشکل می‌نماید).

مبحث دوم: فراهم نمودن موجبات استفاده دیگران از مزایای قانون تأمین اجتماعی، معاونت به‌عنوان جرم مستقل:

قانون‌گذار در قسمت اخیر ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی اشعار می‌دارد:

«... یا موجبات استفاده افراد خانواده خود یا اشخاص ثالث را از مزایای مذکور فراهم سازد به پرداخت جزای نقدی معادل...» که این عبارت عنصر قانونی جرم مستقل

و میزان تشدید را مشخص کند؛ در حالی که در ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی میزان آن مشخص نشده است. در مورد تعدد جرم نیز هرگاه شخصی مرتکب یکی از جرائم مندرج در ماده ۹۷ شود و بدون آنکه مجازات شود مرتکب جرم دیگری گردد، اگر جرم دوم همان جرائم ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی باشد، به استناد ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی جرائم از نوع مشابه بوده، یک مجازات کافی خواهد بود. اما تعدد در جرائم مشابه می‌تواند از علل مشدده باشد. در این بحث نیز همانند آنچه پیش‌تر در مورد تکرار جرم گذشت، تشدید می‌بایست قانونی بوده، دقیقاً میزان آن مشخص شود.

اگر جرم دوم متفاوت با یکی از جرائم مندرج در ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی باشد، برای هر کدام مجازات علی‌حده تعیین خواهد شد.^۶ نکته دیگر در مورد تعدد و تکرار در جرائم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی این است که این جرائم، یعنی جرم «حق» و جرم «فراهم نمودن استفاده دیگران از مزایای قانون تأمین اجتماعی»، جرائمی متفاوت بوده و برای هر کدام باید مجازات علی‌حده تعیین شود؛ هرچند، مجازات هر دو جرم در ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی مساوی و یکسان تعیین شده است.

علاوه بر این، سؤال دیگری که در باب بحث تشدید مجازات در ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی مطرح است این است آیا لفظ تکرار در ماده ۹۷ به تکرار در جرائم مشابه ماده ۹۷ برمی‌گردد یا به تکرار در جرائم متفاوت مقرر در ماده ۹۷ نیز برمی‌گردد؟ در این خصوص باید گفت: از آنجاکه شرط تکرار، اعمال مجازات و اجرای حکم و متعاقب آن انجام

۵. ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی.

۶. ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی.

۷۱۸ قانون مجازات اسلامی (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۲۱۷). در تقسیم‌بندی‌ای دیگر، کیفیات مشدده به عام و خاص تقسیم می‌شوند، شرح و تقسیم کیفیات مشدده خاص در فوق گذشت.

کیفیات عام به جرم خاصی تعلق ندارند و عموم جرائم را شامل می‌شوند. این اوصاف و کیفیات دو قسم هستند: تعدد جرم و تکرار جرم. در قسمت اخیر ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی آمده است:

«... و در صورت تکرار به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا شش ماه محکوم خواهد شد». در این خصوص سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگر شخصی مرتکب تکرار جرائم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی شود، علاوه بر اینکه به صراحت قسمت اخیر ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی مجازاتش به ۶۱ روز تا شش ماه حبس تشدید خواهد شد، آیا با عنایت به مواد عام راجع به تکرار جرم مندرج در قانون مجازات اسلامی هم می‌توان مجازات مرتکب را به بیش از ۶ ماه تشدید کرد؟

در پاسخ می‌توان گفت:

اولاً: وقتی قانون‌گذار برای تکرار جرم در جرمی خاص مجازات خاصی پیش‌بینی کرده است، مواد عام راجع به تکرار جرم در آن مورد خاص تخصیص خورده‌اند؛ ثانیاً: قبول تشدید دوباره بر اساس مقررات عام راجع به تکرار جرم برخلاف تفسیر به نفع متهم و تفسیر مضیق قوانین جزایی است؛ ثالثاً: در مقررات راجع به تکرار جرم، قانون‌گذار چنین اشعار داشته است: «... دادگاه می‌تواند در صورت لزوم مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید».^۷

بر اساس اصول حقوق جزا، تشدید مجازات قضایی غیر قابل قبول است و هرگاه نظر قانون‌گذار بر تشدید مجازات باشد می‌بایست دقیقاً نوع، کیفیت

به نظر ما، در خصوص استفاده از سند مجعول و جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی نیز تعدد معنوی حاکم است. بر اساس ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی، هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدد مجرمانه باشد، وضعیت تعدد معنوی حاکم است. در جرم موضوع ماده ۹۷ فعل، توسل جستن به وسیله تقلبی است که در واقع بر همین فعل «توسل جستن» عنوان استفاده از سند مجعول نیز صدق می‌نماید؛ پس در اینجا فعل واحد دارای دو عنوان متعدد مجرمانه، یکی استفاده از سند مجعول موضوع ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی و دیگری استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی با توسل به وسایل تقلبی است.

در نهایت بین جعل گواهی و استفاده از گواهی مزبور بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۱۱۸۸/۳۰/۱۳۳۶ حتی اگر جاعل و استفاده‌کننده یک نفر باشد، تعدد مادی برقرار است. فلذا اگر کارگری با جعل گواهی کمیسیون‌های پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی و سپس با ارائه آنها به سازمان نتواند از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی استفاده کند، به استناد ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۴۷ همان قانون و رأی وحدت رویه مذکور باید به دو جرم جعل و استفاده از سند مجعول محکوم شود. لکن چنانچه وی موفق به استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی گشته، موجب ورود خسارت به سازمان تأمین اجتماعی شود، محکوم به مجازات جرائم جعل و جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی خواهد شد.

اگر بازرس سازمان که برای تشخیص ناشی از کار بودن یا غیرناشی از کار بودن قطع عضو کارگری به کارشناسی پرداخته، برخلاف واقع گزارش را تنظیم کند، مشمول چه عنوان مجرمانه‌ای خواهد بود؟ مطابق ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی «برای سایر تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثی

عمل مجرمانه دیگری از سوی مرتکب دانسته شده است، آن‌چنان‌که در این خصوص این‌گونه بیان شده: «تکرار وصف افعال کسی است که به موجب حکم قطعی لازم‌الاجرا از یکی از دادگاه‌های ایران محکومیت کیفری یافته و بعداً مرتکب جرم دیگری شده است که مستلزم محکومیت شدید کیفری است» (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۲۳۲).

لذا، مشابه بودن یا نبودن جرم دوم ارتكابی تأثیری در ماهیت تکرار جرم نداشته، آنچه در تکرار از اهمیت برخوردار است اجرای حکم و اعمال کامل مجازات در خصوص جرم ارتكابی نخستین و متعاقب آن انجام عمل مجرمانه دیگری، خواه مشابه یا متفاوت است.

اگر کارگر بیمه‌شده‌ای با جعل گواهی کمیسیون‌های پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی، اقدام به استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی کند، وی مرتکب ۳ جرم متعدد متفاوت شده است: ابتدا گواهی را جعل نموده است و سپس از این سند مجعول استفاده کرده، در نهایت مرتکب جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی شده است.

حال سؤال این است که بین این جرائم چه نوع تعددی برقرار است. آیا حالت چنین مرتکبی تعدد مادی است یا معنوی؟ حالت بین جعل گواهی و جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی تعدد مادی از نوع متفاوت است؛ چرا که عنصر مادی آنها و حتی زمان وقوع آنها با هم متفاوت است، اما سؤال اساسی این است که آیا بین جرم استفاده از گواهی مجعول مزبور و جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی تعدد معنوی برقرار است یا خیر؟ این سؤال در خصوص استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری نیز مطرح بوده است. اکثریت حقوق‌دانان را نظر بر این است که بین استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری تعدد معنوی برقرار است (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۳۰۲).

منتفی شده است. بر اساس قوانین فعلی پرونده در دادسرا مطرح و بعد از صدور کیفرخواست پرونده در دادگاه صالح مطرح خواهد شد.^۷ دادگاه صالح یکی از شعب دادگاه‌های عمومی جزایی در شهرستان‌ها و یا دادگاه بخش در حوزه بخش‌ها خواهد بود.

نکته دیگر در خصوص رسیدگی به جرائم ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی این است که برطبق ماده ۱۰۷ همین قانون، رسیدگی خارج از نوبت خواهد بود. مطابق ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری، قواعد مرور زمان در مجازات‌های بازدارنده و اقدامات تأمینی مجری است. جرم استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی، همان طور که در مقدمه نیز اشاره شد، ماهیتاً کلاهبرداری است. کلاهبرداری نوعی اکل مال به باطل است که در فقه تحت عنوان احتیال مطرح بوده است. بر همین اساس، این جرم دارای سابقه فقهی و جزو جرائم تعزیری به معنای خاص است، فلذا مشمول قواعد مربوط به مرور زمان نمی‌شود.

جرم دوم ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی، یعنی فراهم نمودن استفاده دیگران از مزایای قانون اجتماعی (با توسل به وسایل تقلبی)، یکی از مصادیق معاونت به عنوان جرم مستقل است که از نوع مجازات‌های بازدارنده است، فلذا قواعد مرور زمان در این خصوص مجری خواهد بود.

بر اساس بند ب ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری، هرگاه حداکثر مجازات قانونی کمتر از ۳ سال حبس یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال باشد، با انقضای مدت ۵ سال از تاریخ وقوع جرم یا اولین اقدام تعقیبی یا قطعیت حکم، مشمول مرور زمان خواهد شد.

۷. ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱.

باشد یا آنکه خسارتی بر خزانه دولت وارد آورد، مرتکب، علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا ۷۴ ضربه و یا به دوست‌هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

عمل بازررس سازمان در مثال فوق دقیقاً منطبق بر ماده ۵۴۰ بوده، قابل مجازات است، ولیکن از این جهت که این بازررس با عمل خود ارتکاب جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی را نیز تسهیل نموده، مصداق بارز معاونت در جرم مزبور است.

بدین ترتیب فعل واحد بازررس دارای دو عنوان متعدد مجرمانه است و بر اساس ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مجازات اشد مورد حکم قرار خواهد گرفت. همچنین است پزشکی که گواهی استعلاجی مثلاً یک‌ماهه برای کارگری می‌نویسد و کارگر به دریافت غرامت ایام بیماری از سازمان اقدام می‌کند و نیز گواهی‌های کمیسیون‌های پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی.

فصل پنجم: مجازات جرائم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی، صلاحیت محاکم و تشریفات رسیدگی
قانون تأمین اجتماعی مصوب تیرماه سال ۱۳۵۴ است. مجازات‌ها در قبل از انقلاب به ۳ گروه جنایت، جنحه و خلاف تقسیم می‌شدند. بر همین اساس مجازات‌های بزه‌های مقرر در قانون تأمین اجتماعی نیز یکی از مجازات‌های سه‌گانه مذکور است.

در قوانین قبل از انقلاب به تقسیم‌بندی سه‌گانه مجازات‌ها (جنایت، جنحه و خلاف) آثار و نتایج متعددی بار بود، از جمله تعیین صلاحیت محاکم، تشریفات رسیدگی، مرور زمان و شروع به جرم. با نسخ قوانین قبل از انقلاب امروز تقسیم‌بندی سه‌گانه جرائم به جنایات، جنحه و خلاف نیز منتفی است، و لذا آثار و نتایجی هم که به این تقسیم‌بندی بار بود

بدهد. از طرفی نیز بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ به تاریخ ۱۳۷۸/۹/۹ تعیین مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز برای متهم مخالف نظر مقنن و روح قانون است و چنانچه نظر دادگاه به تعیین مجازات کمتر از مدت مذکور باشد، می‌بایست حکم به جزای نقدی دهد. نظریه مشورتی شماره ۷۱۹۹۵ - ۷۲/۲/۲۹ نیز مؤید همین مطلب است. بر اساس این نظریه، مستفاد از ماده ۳ قانون، وصول تعیین حبس کمتر از ۹۱ روز ممنوع است و اگر دادگاه معتقد باشد که ۹۱ روز حبس برای متهم با توجه به اوضاع و احوال و شرایط ارتکاب جرم شدید است و متهم را مستحق تخفیف بداند، باید به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی آن را به جزای نقدی که مناسب‌تر باشد تبدیل نماید.

بنابراین در خصوص جرائم ماده ۹۷ نیز اگر نظر دادرس بر تعیین حبس کمتر از ۹۱ روز باشد، می‌بایست آن را تبدیل به جزای نقدی نماید.

علاوه بر اشکال وارد بر میزان و نوع مجازات مقرر در ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی که از حیث و دیدگاه جرم‌شناسی مطرح شد، از لحاظ امنیت قضایی نیز محل ایراد است و باید مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد. مجازات ناچیز مقرر در این ماده علاوه بر عدم تأمین اهداف مجازات‌ها (بازدارندگی، پیشگیری فردی و عمومی) (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۳۲۳) امنیت قضایی را نیز اساساً زیر سؤال برده است.

فرض کنید کارگری با جعل گواهی و استفاده از آن در صدد استفاده از مزایای قانون تأمین اجتماعی برمی‌آید، اما موفق به استفاده نمی‌شود. این فرد باید بر اساس ماده ۴۷ و ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی، علاوه بر مجازات جرم جعل به مجازات جرم استفاده از سند مجعول نیز محکوم شود، میزان مجازات استفاده از سند مجعول طبق ماده ۵۳۶ ق.م.ا. حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا ۳ تا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی است.

بر اساس بند الف اگر مجازات قانونی بیش از سه سال حبس و جزای نقدی بیش از یک میلیون ریال باشد، با انقضای مدت ده سال و بر اساس بند ج مجازات غیر از حبس یا جزای نقدی با انقضای مدت سه سال مشمول مرور زمان خواهد بود. چون جزای نقدی مقرر در ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی نسبی بوده، میزان ثابتی نیست، از شمول بندهای الف و ب ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری خارج بوده، مشمول بند ج خواهد بود؛ در این صورت جرم فراهم نمودن موجبات استفاده دیگران از مزایای قانون تأمین اجتماعی با انقضای مدت سه سال مشمول مرور زمان خواهد بود.

کسی که برای بار دوم مرتکب جرائم ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی شود، به حبس از ۶۱ روز تا ۶ ماه محکوم خواهد شد، اما قانون‌گذار پیرو اندیشه‌های جرم‌شناسی و قبول این نظریه که دوره زمانی دوماهه یا سه‌ماهه نمی‌تواند به اصلاح مجرمان بینجامد و برعکس، حبس‌های کوتاه‌مدت بیش از آنکه خاصیت اصلاحی داشته باشند به مدرسه و آکادمی آموزش ارتکاب جرم تبدیل شده‌اند، در ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، محاکم را از حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز منع کرده است.

طبق بند ۱ این ماده در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد، از این پس به جای حبس یا مجازات تعزیری، حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰۰۰۱) ریال تا یک میلیون ریال صادر می‌شود.

بر اساس بند ۲ همان قانون هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از ۷۰۰۰۱ ریال تا سه میلیون ریال

برخلاف کلاهبرداری اغفال سازمان (قربانی جرم) شرط اساسی برای تحقق جرم نیست و در مواردی علی‌رغم عدم وجود اغفال و فریب نسبت به سازمان تأمین اجتماعی، کماکان مورد مشمول ماده ۹۷ خواهد بود.

سیاست کیفری در خصوص مقررات ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی به جهت عدم اصلاح مقررات مذکور و عدم تناسب جرائم و مجازات‌های مزبور، سیاست کارآمدی نبوده، از دو جهت حفظ نظم عمومی و جنبه ارعایی و پیشگیرانه برای تأمین اهداف کیفری کافی نیست.

مضافاً اینکه علاوه بر اهداف عام مقررات کیفری، جرائم مندرج در ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی در خصوص اهداف خاص تأمین اجتماعی (حفاظت از صندوق سازمان تأمین اجتماعی) نیز کافی برای تأمین اهداف مقنن نیست. جرائم ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی نتوانسته‌است در تمامی ابعاد نیازهای کیفری تأمین اجتماعی مطابق با اهداف مقنن را تأمین نماید؛ به‌عنوان مثال استفاده از دفترچه درمانی دیگری برخلاف گستردگی و اهمیت موضوع منطبق با هیچ‌کدام از مقررات کیفری نبوده، مقررات خاص تأمین اجتماعی در این خصوص نتوانسته آن را پوشش دهد.

علاوه بر این، مقررات غیرکیفری نیز در این خصوص تدوین نشده‌است. قانون‌گذار پس از انقلاب نتوانسته و حتی در صدد اصلاح و رفع نقایص مندرج در این ماده از حیث نوع مجازات، عدم تناسب جرم با مجازات در مقایسه با عناوین مشابه و جز آن برنیامده‌است.

ب) پیشنهادها

- تدوین و تصویب مقررات خاص در خصوص برخی مجاری سوءاستفاده، در جهت تأمین اهداف خاص تأمین اجتماعی (به‌عنوان مثال می‌توان در این

حال اگر این کارگر موفق به استفاده از مزایا می‌شد، دیگر به مجازات استفاده از سند مجعول محکوم نمی‌شد و حکم به مجازات ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی صادر می‌شد که برای بار اول معادل دو برابر خسارت وارده به سازمان و برای بار دوم و بیشتر ۶۱ روز تا ۶ ماه حبس است. با مقایسه میزان مجازات‌های مقرر در ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی مشخص می‌شود که بین آنها چه تفاوت فاحشی وجود دارد، این در حالی است که کارگر جاعل وقتی نتواند از مزایا استفاده کند باید به مجازاتی کمتر از حالت دوم یعنی زمانی که موفق به استفاده از مزایا می‌شود، محکوم گردد. اما این قضیه جریانی عکس داشته، مجازات حالت اول بیشتر از حالت دوم است، در چنین نظام قضایی تقنینی آن حس آرامش و اطمینان که باید از وضع و اجرای قوانین در شهروندان یک جامعه متمدن و آگاه ایجاد گردد، دست نخواهد داد، آن هم جامعه‌ای که داعیه‌دار گفتگوی تمدن‌ها و حامل و ناقل صلح و عدالت و مبارزه با تبعیض است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف) نتیجه‌گیری

ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی به جهت شرایط خاص تحقق جرائم مندرج در آن، از حیث مرتکب، ابزار، مکان تحقق جرم و غیره، در مقام وضع و بیان جرایم خاص و جدیدی در حوزه تأمین اجتماعی بوده‌است. در جرائم مذکور در ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی، وسیله (گواهی خلاف واقع، سند تقلبی) شرط تحقق جرائم مزبور بوده و وسیله شرط تحقق جرم قلمداد شده‌است. جرم موضوع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی صورت خاصی از کلاهبرداری قلمداد شده‌است.

مطلب به آنها که صندوق تأمین اجتماعی، متعلق به خود آنهاست و خود می‌بایست حافظ آن باشند.

- سیاست‌گذاری در جهت حفاظت از آماج بزهکاری بر اساس نظریه‌های بزه‌دیده‌شناختی، از طریق آموزش بیمه‌شدگان، کارکنان، کارفرمایان و تغییر سازوکارهای ارائه خدمات.

- از آنجا که هدف اصلی مقنن در وضع ماده ۹۷ قانون تأمین اجتماعی حفظ منافع سازمان و جلوگیری از ورود خسارت به صندوق سازمان تأمین اجتماعی است، پیشنهاد می‌شود در جهت وصول به این هدف، مقنن در کوتاه‌ترین زمان ممکن و به جهت جلوگیری از مباحث مربوط به اطلاع دادرسی در امور قضایی، رسیدگی به این عنوان مجرمانه در مراجع غیرقضایی و با حضور اعضای آشنا به مسائل تأمین اجتماعی صورت پذیرد.

خصوص به تدوین قانون خاص در خصوص سوءاستفاده از اسناد پزشکی اشاره کرد، از این جهت و نظر به اینکه بالغ بر ۵۰٪ جمعیت کشور تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی قرار دارند و به همین تعداد دفترچه درمانی در جامعه توزیع شده‌است، پیشنهاد می‌شود در خصوص اسناد پزشکی و در موارد مشابه قوانین خاص - ترجیحاً غیرکیفری - در این حوزه پیش‌بینی شود تا با اهداف و منافع سازمان تأمین اجتماعی سازگاری و همخوانی داشته باشد و بتواند منافع سازمان تأمین اجتماعی را حفظ کند.

- گسترش بیمه‌های همگانی در تمام ابعاد، اعم از درمانی، پیری، از کارافتادگی و غیره و عملیاتی کردن سیاست‌های مذکور.

- ارائه آگاهی‌های لازم به بیمه‌شدگان و کارفرمایان در هنگام مراجعه به شعب تأمین اجتماعی و تفهیم

منابع

اجتماعی، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، س ۲، پیش شماره ۵، انتشارات مؤسسه فرهنگی - هنری آهنگ آینه، زمستان؛

عمید، حسن (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی عمید، ج ۳، امیرکبیر، تهران؛

گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۳)، حقوق جزای اختصاصی، ج ۱۰، دانشگاه تهران، تهران؛

_____ (۱۳۸۴)، محشای قانون مجازات اسلامی، ج ۶، انتشارات مجد؛

محسنی، مرتضی (۱۳۷۶)، مسئولیت کیفری، ج ۳، گنج دانش؛

محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۵)، مبانی استنباط حقوقی، ج ۲۶، دانشگاه تهران، تهران؛

مکی‌العالمی، ابی‌عبدالله شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین (شهید اول) (۱۳۷۸)،

لمعه دمشقیه، ترجمه و تبیین: علی شیروانی، ج ۲، ج ۱۲، انتشارات دارالفکر؛

موسوی‌الخمنی، روح‌الله (۱۳۴۲)، تحریرالوسیله، ترجمه علی اسلامی، ج ۴، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه عملیه قم)؛

میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۲)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، ج ۳، نشر میزان؛

_____ (۱۳۸۳)، جرائم علیه اموال و مالکیت، ج ۱۱، نشر میزان. ■

اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ج ۶، نشر میزان؛

امینیان، عباسعلی (۱۳۶۹)، جزوه پلی‌کپی ترم دوم تأمین اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز؛

جعفری، فریدون (۱۳۸۴)، «استفاده متقابلانه از مزایای تأمین اجتماعی»، فصلنامه داخلی (قوانین و مقررات)، س ۱، پیش شماره، انتشارات مؤسسه فرهنگی - هنری آهنگ آینه، تابستان؛

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، ج ۲، گنج دانش؛

_____ (۱۳۸۴)، ترمینولوژی حقوق، ج ۱۵، گنج دانش؛

شکری، رضا و قادرسیروس (۱۳۸۴)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، ج ۴، انتشارات مهاجر؛

عراقی، سیدعزت‌الله (۱۳۸۲)، «اهمیت وجایگاه حقوق تأمین اجتماعی»، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، س ۱، پیش شماره، انتشارات مؤسسه فرهنگی - هنری آهنگ آینه، زمستان؛

عرب، مرتضی (۱۳۸۵)، «عنوان خاص مجرمانه در حقوق تأمین